

یادداشت

هفته نوجوان در مدارس

نرگس غفاری

تهران

هفته نوجوان حتی اسمش هم در نظرم کسالت‌بار است. یاد سخنرانی‌های سر صف مدرسه می‌افتم، مناسبت‌هایی که تنها فایده‌اش این بود که بیشتر زیر آفتاب می‌ماندیم، بی‌انصاف نباشم در و دیوار مدرسه هم پوست‌پوش می‌شد، پوست‌هایی که نگاه هیچ کسی را به خود نگه نمی‌داشت، چون آنها همان پوست‌هایی بودند که در تمام سال‌های پیش به دیوار مدرسه چسبیده بودند و بعد برای سال بعد در انباری خاک گرفته مدرسه ذخیره می‌شدند. چه چیز باعث شده هفته نوجوان برای خود نوجوان جذابیتی نداشته باشد؟ وقتی این اتفاق می‌افتد که برنامه هفته نوجوان را بزرگسالان رقم می‌زنند، این می‌شود که رویدادها جنس نصیحت به خود می‌گیرند. جنسی که هیچ تلنگری به نوجوان جماعت نمی‌زند، درست است که نوجوان نیاز به راهنمایی دارد، از آن بیزار هم نیست، فقط این جنس دیگر جواب نمی‌دهد، قدیمی شده است، نوجوان امروز جنس تاثیر و تاثیر پذیری را می‌پسندد. در این میان بعضی‌ها می‌خواهند به نوجوان میدان دهند اما متأسفانه میدان‌شان فقط به اندازه بلندگوی مدرسه وسعت دارد، انتظار دارند نوجوان میکروفن به دست بگیرد و همان موعظه‌های آنان را بر زبان بیاورد. از همکاری نکردن بچه‌ها شاک می‌شوند. به قول آنها بچه‌ها بی‌ذوق شده‌اند و فعال نیستند، چرا برای هفته نوجوان کاری نمی‌کنند؟ چرا میکروفن در دست نمی‌گیرند و دکلمه نمی‌خوانند؟ نوجوانی به سمت‌شان می‌رود و ایده‌هایش را می‌گوید، پیشنهاد راه‌اندازی کارگاهی در مدرسه را می‌دهد و آنها می‌گویند چرا دکلمه نمی‌خوانی؟ نوجوان بی‌حرفش را می‌گیرد و از ایده‌اش حرف می‌زند و باز می‌شود که: آن را که اجازه نداری، بیا از سرود شروع کن چطوراست؟

یادداشت

نسلی با ذهن تیز و سرعتی بالا

میلاد الله بخش

تهران

مدتی است در پروژه‌ای تئاتری با سبک ملودرام به‌نام «مجسمه‌ها» کار می‌کنم. هرچند این تجربه در فضایی متفاوت می‌گذرد اما از همان ابتدا برابرم سؤال بود: آیا نوجوان امروز هنوز به دیدن تئاتر نیاز دارد یا نه؟ تجربه‌کار با نوجوانان همیشه برابرم مساله بوده است. چند نمایشی از این‌جنس دیده‌ام که بد نبودند اما نظر محتوا هنوز جای کار داشتند.

چندی پیش، به‌همراه گروهی از پسران نوجوانان، به‌عنوان مربی به اردویی چندروزه رفتم؛ تجربه‌ای کاملاًمتفاوت، از رفتار و گفتارشان گرفته تانگاه‌شان به دنیا، همه چیز برابرم عجیب و هیجان‌انگیز بود. به‌قول امروزی‌ها «توی به لیگ دیگهان!» بزرگ‌ترها مدام می‌پرسیدند چرا این‌قدر شلوغ و پرا انرژی‌هستند، و مربی ارشد فقط می‌گفت: «نوجوانند دیگرا!» راست هم می‌گفت؛ کار با این نسل صبر می‌خواهد، با همه سختی‌ها، آن اردو برای ما تجربه‌ای جذاب و برای نوجوانان، خاطره‌ای ماندگار شد. حالا اگر بررسی نوجوان امروز چه کم دارد، می‌گویم محیطی برای تجربه و رشد، جایی که احساس آزادی کند، در عین آزادی مسئولیت بپذیرد و بدون ترس از قضاوت خودش را نشان دهد اما فراهم‌کردن چنین فضایی آسان نیست، چون بسیاری هنوز در شناخت درست این نسل مانده‌اند، نوجوان امروز، نسل زد (Z) است؛ نسلی باذهنی تیز و سرعتی بالا. اگر با او صادق نباشی یا از بالا نگاهش کنی، خیلی زود از تو فاصله می‌گیرد، او به‌دنبال تجربه‌های تازه است و اگر محیطش محدود باشد، مسیر تازه‌ای برای خودش می‌سازد، امید که این تجربه‌ها، او را به راه آگاهی و رشد ببرد، نه به بیراهه.



پیشگوهای سرزمین «استوژیت» هستید، باید در رقابت با یکدیگر، جایگزینی شایسته را برای خوابگزار بزرگ انتخاب کنید، پیش روی شما، تصاویری است که بهترین نقاشان این سرزمین بر اساس خواب‌های پیرازورمز پادشاه، نقاشی کرده‌اند. این شماید که باید با داستان‌ها و روایت‌های خود، خلاقیت و قدرت ذهن خوانی حریفان‌تان را به آزمون بگذارید.



فستیوال «حرف‌های نخودخورده و جای خالی‌های پر نشده!»

این «هفته نوجوان» را من می‌خواهم متفاوت بگذارم؛ نه با شعارهای تکراری، بلکه با یک اعتراف ساده: «بعضی چیزها را نمی‌خواهم، ولی دارم،»

مثلاً «دلسوزی»‌های بی‌درمان را نمی‌خواهم.

همانی که یک بزرگ‌تر با نگاه کارشناسی می‌آید و برای زندگی درحال جریان من، که پر از سؤال و کشف است، یک نسخه ثابت و از پیش آماده شده می‌پیچد. انگار که من یک مساله ریاضی هستم که فقط یک جواب داشته باشد.

یا وقتی از همه این حرف‌ها خسته می‌شوم و تصمیم می‌گیرم با تماشای یک فیلم خودم را سرگرم کنم، تازه می‌بینم در سیمای به اصطلاح «کودک و نوجوان»، من یک «نوجوان گمشده» هستم؛ یا برابرم قصه پریانی ساخته‌اند که بیش از حد بچگانه است، یا یک آدم فضایی که فقط بلد است داد بزند و شورش کند. انگار کارگردان‌ها آخرین باری که نوجوان را در کتاب علوم زیستی دیده‌اند!

اما بزرگ‌ترین جای خالی، همان «میدان» است، همانی که بالحن «شما بچه‌اید» از آن محروم‌مان می‌کنند. غافل از این‌که همین «بچه‌ها» روزی جان‌شان را کف دست گرفتند و رفتند تا از وطن دفاع کنند. امروز هم اگر به ما میدان بدهند، ما نه تنها یک ایده پرداز، که یک «اجراکننده» قهاریم.

پس هفته نوجوان امسال برای من، بهانه‌ای است برای فریاد زدن این سؤال: «به جای حرف زدن درباره ما، یک قدم کنار بکشید و بگذارید ما حرف خودمان را بنویسیم و کار خودمان را انجام دهیم.»

فرصتی برای دیده شدن نوجوان

این روزها که در کلاس به چشمان پر از شور و امید شاگردانم نگاه می‌کنم، بی‌اختیار به یاد خودم در همان سنین می‌افتم؛ دختری پر از رویا، با دفترهایی که بوی آینده می‌دادند و قلبی که برای دنیا می‌تپید.

اما حالا که تقویم می‌گوید هفته نوجوان نزدیک است، احساس می‌کنم چیزی کم است و جای یک اتفاق خالی است؛ جای لحظه‌ای که کسی صادقانه به نوجوان‌ها بگوید: «می‌فهممت.» جای آن گفت‌وگوی ساده اما واقعی بین نسل‌ها، جایی که قضاوت نباشد و کسی نخواهد نسخه‌ای برای زندگی‌شان ببیند. نوجوانی، پلی است باریک میان کودکی و بزرگسالی و مگاهی فراموش می‌کنیم که عبور از این پل چقدر ترسناک و زیباست. کاش در هفته نوجوان، به جای جشن‌های شلوغ و حرف‌های تکراری، جایی برای شنیدن صدای آنها باشد؛ برای رویاهای‌شان، برای ترس‌های‌شان، برای حرف‌هایی که هیچ‌وقت بر زبان نمی‌آورند.

جای آن خالی است که دست‌شان را بگیریم و بگوییم: «همین‌طور که هستی، کافیت.» جای باور خالی است. این‌که بزرگ‌ترها واقعاً به آنها اعتماد کنند، نه این‌که هر تصمیم و فکری را اشتباه بدانند. جای لبخندهای صادقانه خالی است؛ آنهایی که بگویند «می‌دانم سخت است اما تو می‌توانی.» جای لحظه‌هایی خالی است که بتوانند خود واقعی‌شان باشند، بدون ترس از اشتباه، بدون نقاب. من به عنوان معلمی که هنوز نوجوانی را از یاد نبرده، دلم می‌خواهد این هفته را نه با مراسم، بلکه با یک آغوش، یک لبخند و یک گوش شنوا جشن بگیرم؛ چون گاهی تنها اتفاقی که می‌تواند دنیای یک نوجوان را روشن کند «دیده شدن واقعی» است نه در پوست‌رها و پیام‌ها، بلکه در دل آدم‌ها و چه حیف که هنوز جای این اتفاق در هفته نوجوان خالی است.



آرمین رزاقیان

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

تهران

بازیکنان کارت‌راوی را پیدا کنند یا هیچ بازیکنی نتواند این کار را انجام دهد امتیازی نمی‌گیرد. در استوژیت در صورتی امتیاز به دست می‌آورید که عبارت‌تان، نه خیلی واضح باشد و نه خیلی دور از ذهن؛ پادشاه نگران است، آخرین روزهای زمستان سر رسیده، قصه‌گو و خوابگزار بزرگ شهر، در اولین روز بهار برای همیشه از سرزمین اسرارآمیز «استوژیت» خواهد رفت اما چه کسی این توانایی را دارد تا جای خالی او را پر کند؟ شما، بهترین

استوژیت، یک دورهمی جذاب و سرگرم کننده و ترکیبی از قدرت خلاقیت و ذهن خوانی است. در هر دور از بازی یک بازیکن به عنوان راوی انتخاب خواهد شد. او باید یکی از کارت‌هایش را توصیف کند. بقیه بازیکنان باید از بین کارت‌های خود یک کارت که مفاهیم مشترکی با کارت راوی دارد را بازی کنند. در مرحله بعد بازیکنان دیگر باید با قدرت ذهن خوانی خود، کارت راوی را از میان کارت‌های دیگر پیدا کنند. اگر همه

استوژیت



جمله انقلاب، شکل می‌گیرد و نشان می‌دهد چگونه این تحولات مسیر زندگی نوجوانان را تغییر می‌دهد. با این روایت، فیلم فرصتی فراهم می‌کند تا تماشاگر، به‌ویژه نوجوانان، با سرنوشت شخصیت‌ها همراه شوند و دنیای نوجوانی در شرایط اجتماعی متفاوت را از زاویه‌ای تازه ببینند.

نوجوانان علاوه بر سرگرمی به دنبال آثاری هستند که با دنیای درون‌شان ارتباط برقرار کرده و بتوانند تجربه‌های زندگی خود را در آن ببینند. فیلم بچه مردم داستان نوجوانانی را روایت می‌کند که اغلب کسی به دنبال‌شان نیست و با چالش‌های زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند. داستان فیلم در بستر رخدادهای تاریخی و اجتماعی، از



baomidtv.com آثار خود را ارسال کنند.

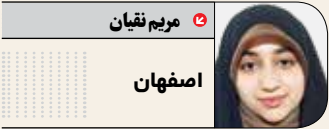
شرکت‌کنندگان باید در قالب ویدئوهای کوتاه افقی،

نوجوانی را که دارای ویژگی خاصی است معرفی کرده و عبارت «به افتخار نوجوونی» را در ابتدای ویدئو بیان کنند. این پویش به نوجوان‌هایی می‌پردازد که معمولاً در سایه مانده‌اند. در فضای مجازی معمولاً کسانی دیده می‌شوند که رفتار متفاوتی دارند اما این پویش می‌خواهد بچه مثبت‌ها را هم ببیند؛ کسانی که با مرام، باحال و اهل کنش اجتماعی هستند.

این فعال حوزه نوجوان افزود: «نهم آبان در فرهنگسرای نوجوان، برنامه‌ای با حضور چهره‌های محبوب برای تجلیل از شماری از نوجوانان برگزار می‌شود. همچنین قرار است تحلیل و بررسی آثار رسیده تا دهه فجر ادامه داشته باشد تا در آن زمان، از برگزیدگان نهایی در بخش‌های مختلف تجلیل شود.»

شکیب‌راه گفت: «این پویش فقط برای رقابت نیست بلکه تلاشی است برای ترویج کنشگری و دیده شدن نوجوانانی که در جامعه اثرگذارند؛ از نوجوان تعمیرکار گرفته تا دانش‌آموز با انگیزه‌ای که برای اطرافیان‌ش منبع امید است.»

یادداشت



مریم نفیان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان

اصفهان